

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

آندریوف کوریبکو - Andrew Korybko  
برگردان از: حمید محوی  
۰۴ دسمبر ۲۰۱۹



## جنگهای ترکیبی :

۳. پیشبینی جنگهای ترکیبی در آینده



دو بخش نخست از سری مقاله های « جنگ ترکیبی »<sup>۱</sup> مفاهیم جدیدی را به نظریه جنگ ترکیبی افزوده است که با موفقیت در مورد سوریه و اوکراین به آزمون گذاشته شد و نشان داد که واقعاً روش شناسی خاصی برای توضیح و تحلیل جنگ ترکیبی می تواند وجود داشته باشد. در اینجا می توانیم ببینیم که این نظریه تا کجا می تواند به ابزاری برای پیشبینی محل وقوع این نوع از جنگ پسا مدرن به کار برده شود.

\*\*\*\*

### آزمون تنوریک- شناسانی اهداف

برای مراجعه به بخش ۱، نخست باید از قانون جنگ ترکیبی یاد کنیم :

« هدف بزرگ در پشت پرده هر جنگی از نوع ترکیبی مخدوش کردن طرح های چند قطبی فراملی مشترک بین کشورهای مستقل از طریق جنگهای هویتی تحریک شده از بیرون (قومی، مذهبی، منطقه ای، سیاسی و مانند اینها) در بطن دولت گذرگاه<sup>۲</sup> و هدف گیری شده است. »

<sup>۱</sup> جنگ ترکیبی. ۱. قانون جنگ ترکیبی - جنگ ترکیبی ۲. آزمون نظریه جنگ ترکیبی در مورد سوریه و اوکراین  
<sup>۲</sup> دولت گذرگاه در اینجا به معنای دولت میزبان شبکه حمل و نقل یا به شکل گسترده تر طرح اتحادیه زیر کنترل امریکا.

با توجه به این موضوع، مرحله بعدی عبارت است از شناسائی طرح های بزرگ فراملی چند قطبی متصل به یکدیگر، در شرف تکوین یا پیشبینی شده، در سراسر جهان. پس از انجام این مهم در گام نخست، هر دولت گذرگاهی (مرتبط به طرح های فراملی و چند قطبی) بر اساس بیشترین نقاط ضعف در پیوند با پیچیدگی های اجتماعی و سیاسی مورد سنجش قرار می گیرد. در عرصه امور اجتماعی از ۶ عنصر به شکل ذیل یاد می کنیم :

۱. قومیت

۲. دین

۳. تاریخ

۴. محدودیتهای دولتی

۵. شکافهای اجتماعی و اقتصادی

۶. جغرافیای طبیعی

از اینجا به بعد، آنچه باقی می ماند تشخیص دولت گذرگاهی ست که بیش از همه دچار شکاف اجتماعی و اقتصادی بوده و سپس بر اساس تعیین کننده های جمعیت شناختی بنیادی تلاش برای ایجاد شرایط ضروری متارکه با قدرت مرکزی آغاز می شود. انسان شناسان فرهنگی، تاریخ شناسان، فعالان سازمانهای غیر دولتی، کارشناسان بازاریابی، رسانه ها و پژوهشگران مستقل، و دیگران نقش پیشگام را در فرآیند پیش شرطها و آمادگی اجتماعی به عهده می گیرند. این کارشناسان و فعالان در عین حال می توانند در سرویس های اطلاعاتی امریکا ادغام شوند و مورد استفاده قرار گیرند و در انکشاف مؤثرین روشهای ممکن برای نفوذ ایدئولوژیک در روان ملتی که هدف گرفته شده بکوشند. به موازات این فرآیند، سطوح متنوع پیش شرط ساختاری نیز به هدف تشدید شکافی که به شکل مصنوعی بین دولت و عناصر ستراتیژیک شهروندی به وجود آورده به کار بسته می شود.



جنگ ترکیبی به طور کلی نظامی سازی نظریه هرج و مرج است و تا حدود نامتوازنی به شرایط اولیه موجود پیش از ظهور وضعیت بی ثبات بستگی دارد. همانگونه که پیش از این درباره آن بحث کردیم، آسیب پذیری اجتماعی و اقتصادی در هر دولت هدف گیری شده نماگرهای مهمی برای سنجش توفیق احتمالی طرح عملیات تغییر رژیم را در آینده تشکیل می دهد. ولی شش عامل اصلی به سختی تغییر پذیر اند و به ویژه در بازه کوتاه مدت، اگر تا کنون نقش خود را کاملاً در چشم انداز انتظاراتی که در طرح تجاوزگر وجود دارد بازی نکرده باشد. به همین دلیل، پیش شرط اجتماعی و ساختاری نقش فزاینده ای بازی می کند زیرا نظریات و تمایلات اقتصادی خیلی ساده تر از تغییر ترکیب قومی و مرزهای طبیعی قابل جهت دهی هستند. این دو ویژگی تشکیل دهنده که به ترتیب تحت تأثیر پیش شرطهای اجتماعی و ساختاری می باشد می تواند قویاً روی احساس میهن دوستی تمدنی و یا مدنیت شهروندان هدف گیری شده نفوذ کند، که بهترین دفاعی ست که دولت برای خنثی کردن جنگ ترکیبی در اختیار دارد.

در اینجا ما به نقطه ای رسیده ایم که باید یک بار دیگر نمونه های سوریه و اوکراین<sup>۳</sup> را یادآور شویم، زیرا در هر یک از این دو مورد، وضعیت در مسیر کاملاً متفاوتی دچار ریزش شد و چنین تفاوتی تا حدود خیلی زیادی به دلیل سطح متفاوت میهن دوستی ریشه دار در تمدن مشترک و مدنیت موجود در دوران پیشا جنگ ترکیبی بود که علیه این دو کشور به راه افتاد. این شرط اولیه بی هیچ تردیدی مهمترین عنصر بحرانی برای روشن کردن این موضوع بود که آیا عملیات بی ثبات سازی سالها به طول خواهد انجامید و یا این که موفقیت آن سریع و ساده به جنگ خواهد آمد. مردم سوریه ریشه دار ترین میهن دوستی تمدن-پایه<sup>۴</sup> را در جهان از خود نشان می دهند و همین امر به سهم خود استقامت این کشور را برای مقاومت علیه تجاوز جنگ ترکیبی چند بُعدی افزایش داده است. در نتیجه، ایالات متحده و هم پیمانانش مجبور شدند برای تأمین پشتیبانی دائمی از عوامل نیابتی استفاده و به شکل مصنوعی روند هرج و مرجی را که تصور می کردند خودگردان خواهد بود حفظ کنند. در صورتی که این پشتیبانی خارجی مختل شود، مستقیماً به معنای تضعیف آشکار عناصر جنگ ترکیبی در داخل کشور و سپس ریشه کن شدن آنها خواهد بود.

به عکس، در اوکراین وضعیت کاملاً در قطب مخالف بود، میهن دوستی تمدنی ابداً حضور نداشت، با وجود میراث غنی روس کیف<sup>۵</sup> و هیچ گونه میهن دوستی مدنی<sup>۶</sup>. همه کاری که ایالات متحده باید انجام می داد، سازماندهی مؤثر اقلیتهای فعال و مناسب بود تا با علامت او بی ثبات سازی را در اتحاد با یک دیگر آغاز کنند.

روند هرج و مرج بر اساس نظریه به جریان افتاد و سرآغازی شد برای جان گرفتن و کسب حیاتی که در تعلق خاص آن بود، وضعیتی که خلاف باتلاق ستراتیژیکی که ایالات متحده در سوریه گرفتار آن شده بود، از این پس در اوکراین فقط به حداقل جهت دهی نیاز داشت. یگانه مداخله مهمی که ایالات متحده انجام داد حمله زیر پرچم دروغین به وسیله تیراندازان ماهر<sup>۷</sup> در پایان فبروری ۲۰۱۴ در میدان میدان (Maidan) بود، و چنین حرکتی به این علت انجام گرفت زیرا احساس کرده بودند که فرصت اجتناب پذیری برای به حداکثر رساندن هرج و مرج وجود دارد تا دولت را فوراً سرنگون کنند.

برای خلاصه کردن این بخش، دو نمونه متفاوت فوق العاده بارز جنگ ترکیبی در سوریه و در اوکراین نشان می دهد که وضعیت اولیه میهن دوستی ریشه دار در تمدن (یا میهن دوستی تمدن پایه) و میهن دوستی از نوع مدنی عنصر تعیین کننده برای تأثیر گذاری طی جنگ نامتعارف است و در نتیجه این موضوع باید هشدار می باشد برای کارشناسان امنیت

<sup>3</sup> مترجم : مراجعه شود به بخش دوم : جنگهای ترکیبی : ۲. آزمون نظریه جنگ ترکیبی در مورد سوریه و اوکراین

<sup>4</sup> مترجم : تمدن پایه اصطلاحی که ممکن است نامأنوس به نظر رسد، این اصطلاح را من بر اساس واژگان رایج نظامی در ارتش ایران در نظر گرفته ام مانند «راکتهای دریا پایه» «هوا پایه»، میهنی دوستی تمدن پایه به معنای ریشه دار بودن احساس میهن دوستی در تاریخ گذشته است و در فاصله با میهن دوستی مدنی قرار دارد. به پاورقی شماره ۶ نیز مراجعه کنید.

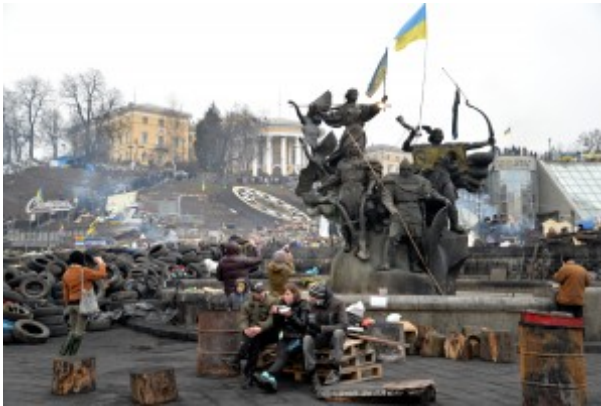
<sup>5</sup> Rus de Kiev – [https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B1%D9%88%D8%B3\\_%DA%A9%DB%8C%D9%81](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B1%D9%88%D8%B3_%DA%A9%DB%8C%D9%81)

<sup>6</sup> مترجم : در نوشته های کوربیکو غالباً با تفکیک میان میهن دوستی تمدنی و میهن دوستی مدنی روبه رو هستیم. از دیدگاه نظریه پرداختی میهن دوستی عشق به ملت و انانی ست که فرد از آن خود می داند، همراه است با نوعی افتخار تعلق به یک جامعه یا ملت و ریشه در تمدنی دیرینه دارد. ولی میهن دوستی مدنی به طریق اولی به رفتار در جامعه باز می گردد، فردی که به اصول و قوانین احترام می گذارد، و حرکتی که به شکل روزمره استفاده می کند. ولی در این نوع میهن دوستی احساس ملی و میهن دوستی وجود ندارد.

<sup>7</sup> [https://youtu.be/9tXY23A\\_ZI](https://youtu.be/9tXY23A_ZI) [attaque sous faux drapeau par des snipers](https://www.youtube.com/watch?v=9tXY23A_ZI)

دمکراتیک<sup>۸</sup> درباره اهمیت هستی شناختی پشتیبانی از شیوه عمل چنین اقداماتی در دولت هدف گیری شده<sup>۹</sup> خاص خودشان.

### از هم گسیختن افسار خشم



سرانجام، باید به نخستین مراحل جنگ ترکیبی پردازیم و به طور مختصر حدود تاکتیک نظریه کاربردی در دو گروه خاص از دولت‌ها را توضیح دهیم. آنچه مربوط به تشابهات نخستین مرحله مشترک در اکثریت دولت‌ها می‌شود، یک رویداد از پیش تعیین شده، عموماً یک رویداد نمادینه مانند بزرگداشت تاریخی مهم، رأی پارلمانی/انتخابات ریاست جمهوری، یا خشونت دولتی علیه شهروندان که به شکل مصنوعی تحریک شده، یا کاملاً اتفاقی بر

حسب چرخش رویدادها<sup>۱۰</sup>، برای مثال، تصمیم یانوکویچ در آخرین دقیقه برای به تأخیر انداختن توافق پیوستن به اتحادیه اروپا به عنوان علامت برای ادغام سلولهای پراکنده مورد استفاده قرار گرفت که زیربنای اجتماعی برای تغییر رژیم در یک توده ضد دولتی معترض را تشکیل می‌داد که جریان انقلاب رنگی را به حرکت درآورد و اعلام نخستین مرحله جنگ ترکیبی بود.

اگر کودتای نرم که غالباً همراه با تروریسم شهری گشوده است [یعنی تروریسمی که خسارات جانی بر جا می‌گذارد] نتواند به هدفش دست یابد، در این صورت کودتای سخت با جنگ نامتعارف علیه دولت در مانده و شهروندان میهن دوست راه اندازی می‌شود و الگوی جنگ ترکیبی را به اجرا می‌گذارند.

هر جنگ نامتعارف با انقلاب رنگی شروع نمی‌شود و هر انقلاب رنگی الزاماً به جنگ نامتعارف نمی‌انجامد، ولی هدف ستراتیژیک که در طرح ایالات متحده در اولویت قرار دارد در اختیار داشتن دو شکل از تغییر رژیم است که به شکل هماهنگ ادغام تدریجی فشار ضد دولتی را تنظیم و هر بار که امکانی وجود داشته باشد به تدریج فشار را تشدید می‌کند.

برخی جوامع با جامعه مدنی کاملاً توسعه یافته، نسبت به استانداردهای جهانی بازشناسی شده در غرب، و بدون پیش زمینه آسیب پذیری اجتماعی سیاسی چندان مهم، برای مثال مانند دنمارک، هرگز نمی‌تواند متحمل این وجه نامتعارف از جنگ ترکیبی شود و احتمالاً فقط قربانی نوعی انقلاب رنگی خواهد شد. با وجود این، تجدید سازمان داده های جمعیت شناختی، برای مثال با بحران پناهندگان، این وضعیت می‌تواند به شکل پیشبینی پذیری تغییر کند و درجه حساسیت کشور را نسبت به جنگ ترکیبی کامل خیلی بالاتر ببرد.

<sup>8</sup> [sécurité démocratique](#)

<sup>9</sup> مترجم فرانسوی: برای تقویت سپیمان تمدنی

<sup>10</sup> مترجم: متأسفانه من هنوز فرهنگ واژگان مشخصی برای عناصر نظریه پرداختی در بررسی جنگ ترکیبی در اختیار ندارم و یا از آن بی‌اطلاعم. با وجود این در ترجمه نوشته های کوریکو جابه جا سعی کرده ام اصطلاحاتی را مشخص در پیکره گفتار قابل شناسایی کنم. در ترجمه متن های دیگر این رویداد نمادینه... را رویداد «مسبب» یا «فرصت طلانی» نامیده ام.

در ادامه چنین مسیری، دولتهائی که فاقد جامعه مدنی قوی یا بدون جامعه مدنی می باشند به مفهومی که در سنت غربی رایج است، ولی به شکل گسترده دارای شرایط اجتماعی سیاسی برای جنگ نامتعارف هستند همان گونه که نمونه جمهوری افریقای مرکزی نشان داده است، این دولتها می توانند مستقیماً بدون گذار از مرحله انقلابی رنگی به دامن مبارزه هویت محور (یا هویت پایه) در جنگ ترکیبی پرتاب شوند. مانند نخستین نمونه ای که مطرح کردیم، این جریان می تواند در پی تجدید سازمان جمعیت شناختی در جامعه تغییر کند، هر چند به شکل متفاوت، وقتی توسعه اقتصادی سریع، احتمالاً به پشتیبانی چینی ها، بتواند به پیدایش طبقه متوسط نوظهور بینجامد، صفوف شورشی ها را برای انقلاب رنگی تقویت خواهد کرد.

در نمونه هائی که به ندرت به وقوع می پیوندد، این احتمال نیز وجود دارد که جنگ ترکیبی به شکل معکوس عمل می کند، یعنی جنگ نامتعارف پیش از انقلاب رنگی واقع می شود. تا حدودی، می توانیم بگوئیم که جنگ داخلی طولانی در میانمار ( برمه پیشین) شرایط مساعدی برای انقلاب رنگی ۱۹۸۹ و به قدرت رسیدن آنگ سان سو چی<sup>۱۱</sup> فراهم کرد. در حالی که به دو دهه نیاز داشت تا قدرت را تصاحب کند و سرانجام موفق شد و روشن است که فضای جنگ نامتعارف در طول زمان پیش شرطی بود تا تودها برای پذیرش او آمادگی پیدا کنند. به همین گونه، رویدادی مشابه در افریقای غربی با بوکو حرام<sup>۱۲</sup> در شرف تکوین است. هر یک از چهار دولت منطقه دریاچه چاد<sup>۱۳</sup> زیر فشار نیرومند گروه تروریست و اعمال خشونت ست که به ایجاد وضعیتی انجامیده که حتا انقلاب رنگی بی سرو سامان شناس موفقیت نهائی را افزایش می دهد، به طور مشخص به دلیل نگرانی های دولتهائی که بوکو حرام هدف گرفته است.

این نمونه به ویژه با وضعیت چاد انطباق می یابد که پایتخت آن انجامنا خیلی نزدیک به میدان نبرد است و تا کنون قربانی چند سوء قصد انتحاری بوده. یک انقلاب رنگی نوظهور ضریب نیروی نهائی برای افزایش شناس سرنگونی دولت به دست بوکو حرام یا شورشی های شهری یا با تلاش ضمنی و هماهنگی بین هر دو خواهد بود. از دیدگاه «تئوریک استانداردیزه»، مبارزان<sup>۱۴</sup> جنگهای نامتعارف با تیم انقلاب رنگی که اخیراً فعال شده اند متحد می شوند تا با جابه جایی به شکل تعیین کننده تعادل نیروهای ضد دولتی را به نفع هدف مشترک برای تغییر رژیم فراهم کنند. یگانه آلترناتیو این سناریو برای نیروی نظامی سرکوب توده «تظاهر کنندگان» به شکل شدید در زمان و مکانی ست که پیش از ارتکاب به مرحله بعدی تجمع می کنند، باید فوراً همه تروریستهای که در تلاش برای بهره برداری از هرج و مرج هستند از بین ببرند، این سناریو به همان اندازه که برای چاد حقیقت دارد برای هر دولت دیگری که در معرض خطر جنگ ترکیبی معکوس<sup>۱۵</sup> قرار بگیرد معتبر خواهد بود.

## کاربرد عملی

اگر همه آنچه را که تا امروز مورد بررسی قرار داریم و در نمونه های سوریه و اوکراین به اثبات رساندیم در نظر بگیریم، اکنون وقت آن رسیده است که درسهای جنگ ترکیبی را برای پیشبینی مکانی به کار ببریم که در آینده می خواهد بر پا شود.

<sup>11</sup> [Aung San Suu Kyi](#)

<sup>12</sup> [Boko Haram](#)

<sup>13</sup> مترجم : چهار کشور پیرامون دریاچه چاد (با آب شیرین) : کامرون، چاد، نیجر و نیجریه

<sup>14</sup> مترجم : به سخن دیگر : مزدوران مسلح یا «مرسوئرها» به خدمت گرفته شده»

<sup>15</sup> مترجم : جنگ ترکیبی معکوس، یعنی روند تغییر رژیم که از جنگ نامتعارف تروریستی با خسارات جانی شروع می شود بی آن که از انقلاب رنگی عبور کرده باشد. انقلاب رنگی پس از جنگ نامتعارف شروع می شود.

با نفوذترین طرح های فراملی و چند قطبی مشترک از سوی روسیه و چین توسعه یافته و دو طرح از مهمترین آنها اتحادیه اوراسیا و طرح راه ابریشم نوین (*New Silk Road*) است. فضای مشترک اتصالی آنها در آسیای مرکز به این معناست که هر گونه بی ثباتی در سطح کلان در این منطقه می تواند هدف مضاعفی را دست یافتنی سازد (با یک تیر دو نشان) و وزنه تعادلی برای مقابله با بلند پروازیهای دو قدرت بزرگ با یک حرکت ماهرانه ژئوپلیتیک فراهم کند و این موضوعی است که علت حضور خطر بزرگ جنگ ترکیبی، در آینده نزدیک را برای در هم شکستن آنها توضیح می دهد.

از سوی دیگر، با وجود این، ادغام مستقیم همکاری ستراتیژیک روسیه و چین وجود ندارد، به جز در بالکان<sup>16</sup>، ولی حتا در آنجا نیز همگرایی منافع نسبت به آسیای مرکزی کمتر به یکدیگر متصل و توسعه یافته است. روشن است که این موضوع در این سناریو دومین منطقه آسیب پذیر برای جنگ ترکیبی در آینده را به وجود می آورد، با این حساب که برای امریکا پیشدستی در فرجام دو طرح کلان را ضروری می سازد که عبارتند از کشورهای بالکان، ترک استریم<sup>17</sup> و راه ابریشم نوین<sup>18</sup> که می تواند قاطعانه میزان تعادل ستراتیژیک به نفع جهان چند قطبی و در نتیجه تمایل اروپا به سوی آن را رقم بزند.

مناطق دیگری که در خطر جنگ ترکیبی و هدف گرفته شده اند مشخصاً به دلیل همکاریشان با راه ابریشم نوین چین است، و این کشورها جزء «هارتلند بزرگ»<sup>19</sup> می باشند، ایران، افغانستان و پاکستان، بخش غربی انجمن ملل آسیای جنوب شرقی<sup>20</sup>، جزیره های مالدیو در اقیانوس هند، دالان وسیعی از افریقای فرا استوایی که قاره را از یک اقیانوس به اقیانوس دیگر متصل می کند، و برزیل، پرو و نیکاراگوئه در امریکای لاتین. نقشه ای که در پی آمده به روشنی مناطق جغرافیائی یاد شده در بالا را نشان می دهد که بیش از همه در تهدید جنگ ترکیبی به سر می برند:



در مناطق شناسائی شده، و به استثناء دولت خود مختار مالدیو، کشورهای اصلی که بی ثباتی بر اساس هویت بوده و به دلیل برخی دلایل ویژه و مجموعه شرایط دارای بیشترین استعداد برای جنگ ترکیبی هستند. واقعی ترین بر اساس

<sup>16</sup> [les Balkans](#)

<sup>17</sup> [Turkish Stream](#)

<sup>18</sup> [route de la soie.](#)

<sup>19</sup> [Grand Heartland](#)

<sup>20</sup> ASEAN

احتمال نسبی کشور های پی آمده اند : ازبکستان در «هارتلند بزرگ»<sup>21</sup>، جمهوری مقدونیه در بالکان، میانمار در انجمن ملل آسیای جنوب شرقی، جیبوتی و اتیوپی در آفریقا، و نیکاراگونه در امریکای لاتین. اگر نقشه بالا را بخواهیم به شکل ساده تری نشان دهیم فقط با شاخص سبب ساز ژئوپلیتیک به شکل ذیل شباهت خواهد داشت :



پس از بررسی اهداف اصلی جنگ ترکیبی، مقاله های بعدی روی هر منطقه معین روی شناسایی رویداد سبب ساز (لحظه فشار روی ماشه برای شلیک یا جرقه آغازین) تأکید خواهد داشت که باید آتش گسترده تری را تحریک کند یا اعمال مخرب به شکل ترمیم ناپذیر (یا بازگشت ناپذیر) علیه طرح های مشترک فراملی که در آن شرکت دارند. یگانه استثناء در اندازه های این نظریه که توضیح دادیم جزیره های مالدیو است، زیرا نویسنده پیش از این تحلیل جامعی از آن در سه بخش<sup>22</sup> درباره خطر جنگ ترکیبی و مداخلات ژئوپلیتیک گسترده تر در بی ثبات سازی آن عرضه کرده است. درباره این داده های مقدماتی مقاله های بعدی به ترتیب به آسیای مرکزی، بالکان، انجمن کشورهای آسیای شرقی، آفریقا و امریکای لاتین می پردازد.

هر بخش با تشریح اهمیت ژئو اکونومیک منطقه شروع می شود یا به سخن دیگر، چگونگی تطبیق آن با قانون جنگ ترکیبی. سپس، بررسی مختصر برخی از مهمترین آسیب پذیری های اجتماعی سیاسی برای هر دولتی که می تواند مشمول سناریوی جنگ ترکیبی شود. سرانجام، آخرین بخش به ویژه روی هدف مرکزی در هر منطقه تمرکز خواهد داشت و توضیح خواهد داد که چگونه جنگ ترکیبی می تواند به سرعت طرح فراملی چند قطبی مشترکی که آن دولت در آن شرکت دارد را از بین می برد.

### لینک متن اصلی :

<https://lesakerfrancophone.fr/guerres-hybrides-3-predire-les-prochaines-guerres-hybrides>

گاهنامه هنر و مبارزه/پاریس/۳ دسمبر ۲۰۱۹

[Oriental Review](#) Par Andrew Korybko (USA) – Le 18 mars 2016 – Source

<sup>21</sup> [Grand Heartland](#)  
<sup>22</sup> [trois parties](#)

### درباره آندریوف کوریپکو:

تحلیلگر سیاسی امریکائی مستقر در مسکو، کارشناس امور ستراتژیک ایالات متحده در افریقا، اورآسیا، راه ابریشم نوین و جنگ ترکیبی<sup>۲۳</sup> است. او در حال حاضر به عنوان تحلیلگر سیاسی در آژانس سپوتنیک کار می کند و دوره دکترا در انستیتو دولتی مناسبات بین المللی مسکو MGIMO بوده و «مونوگرافی «جنگ ترکیبی، رویکرد انطباقی غیر مستقیم برای تغییر رژیم» [Guerras hybrides: l'approche adaptative indirecte pour un changement de régime](#) (2015) یکی از نوشته های اوست.